

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ماتیس بروکر
برگردان: تارنگاشت عدالت
فرستنده: علی مشرف
۳۰ مارچ ۲۰۲۲

پایان جهان یک قطبی

غرب از نقطه اوج برتری جهانی خود عبور کرده. «نافرمانی» پوتین نشانه ارتقا فزاینده خودآگاهی نیروهای مخالف است.



«قرن امریکائی»، آری شاید واقعاً بتوان سلطه جهانی ایالات متحده آمریکا بین جنگ اول جهانی و دوران پس از انحلال پیمان ورشو را «قرن امریکائی» نامید. ظاهراً هنوز افرادی وجود دارند که متوجه نشده‌اند که ما در این بین تنها به قرن ۲۱ وارد نشده‌ایم. زمانی که امپراتوری در شرایط یک قطبی قادر بود به هر اقدامی دست بزند، دیگر گذشته. شکست‌هایی مانند شکست در سوریه تکرار می‌شود. چین از نظر اقتصادی در برابر بلوک غرب قد علم کرده و پوتین برابر غرب، سیاست قدرت بزرگ را دنبال می‌کند. هم اکنون روند به هم پیوستن رقبای جهانی در جریان است و حتی سلطه ایالات متحده بر سیستم پولی به کمک دالر به مثابه ارز مرجع، دچار تزلزل شده است. افسانه گویا برتری اخلاقی «جهان آزاد» را که دیگر شاید تنها مصرف‌کنندگان کم توقع ماین استریم اروپائی باور داشته باشند.

این که رئیس جمهور ولادیمیر پوتین میهمانان رسمی خود مانند صدراعظم المان اولاف شولتز و رئیس جمهور امانوئل ماکرون را در ماه فیبروری سال جاری بر سر یک میز دراز و طولانی پذیرفته بود شاید از نظر سطحی به خاطر پاندمی صحنه سازی شده بود، زیرا آنها از تست کورونا روسی سرباز زده بودند ولی در واقع به علامت وداع و

استعفاء بود. کسی که قرار است به سخنانش گوش فراداد و واقعاً چیزی عرضه کرد به این امید که به مصالحه‌ای دست یافت را این طور استقبال نمی‌کنند.

ظاهراً پوتین این امید را دیگر از دست داده. روسیه از غرب روی برمی‌گرداند و دقیقاً می‌داند که از تحریم‌های فراوانی رنج خواهد دید و همین‌طور مطمئن است که با حمایت چین، هندوستان و تمامی جهان جنوب از این تحریم‌ها عبور خواهد کرد. نظم جهانی «قاعده محور» جهان یک قطبی که از نظر نظامی توسط برتری همه‌جانبه Full Spectrum Dominance امپراتوری ایالات متحده دیکته می‌شود، از روز ۲۴ فبروری ۲۰۲۲ به پایان رسید.

هنگامی که در جنگ اول کریمه در اواسط قرن ۱۹ انگلستان، روسیه و فرانسه بر سر اوکراین امروزی با یک دیگر به جنگ مشغول بودند، طرفین مخاصمه همان طور که بین «ملل متمدن» رسم بود به طور متقابل بدهی‌ها و قراردادهای اعتباری خود با یک دیگر را رعایت می‌کردند.

چنین رفتار متمدنانه‌ای را اکنون امپراتوری ایالات متحده کاملاً به کنار گذارده (و آنهم نه برای اولین بار) و ذخایر رزرو دالر روسیه را (جمعاً ۶۳۰ میلیارد دالر) «منجمد» کرده که در واقع در محافل مافیای مالی دزدی نامیده می‌شود، به این امید که روسیه نتواند با خرید روبل، از افت ارزش روبل در بازارهای بین‌المللی جلوگیری کند.

این گام مانند اخراج بزرگترین بانک روسیه از سیستم سوئیفت اقدام مطبوعی نبود ولی خطر آن می‌رود که این حربه مانند بومرنگ به صورت دالر زدائی De-Dollarisation جهان مالی به سوی تحریم‌کنندگان بازگردد. کدام کشوری دیگر حاضر خواهد بود ذخایر ارزی ملی خود را در آینده به «شریکی» بسپارد که هر لحظه می‌تواند آن را ضبط و یا منجمد کند و یا بدزدد؟

هم اکنون دیگر چین و روسیه معاملات عظیم انرژی خود را به دالر انجام نمی‌دهند. هندوستان، ترکیه و تمامی «جهان جنوب» می‌تواند نفت و گاز و الماس، مواد معدنی، گندم و غیره را به روبل، روپیه، لیره و یا پزوس خریداری کند... در جاده ابریشم جدید قدم هر ارز ملی مبارک تلقی می‌گردد.

هر چند که ایالات متحده اکنون با فشارهای باج‌گیرانه روی این کشورها کوشش می‌کند از دور زدن روسیه از تحریم‌ها جلوگیری کند ولی با شکست رو به رو خواهد شد. آخرین افرادی که کوشش کردند نفت خود را در مقابل ارز ملی به فروش رسانند (صدام حسین در عراق و قذافی در لیبیا) بی‌رحمانه مورد بمباران قرار گرفتند. ولی این روند دیگر سپری شده زیرا دو قدرت جهانی علیه این ترور اقتصادی به پا خاسته‌اند.

اما اگر «پترودالر» و این جبر جهانی که تنها دالر باید برای خرید نفت مورد استفاده قرار گیرد، از بین برود، در آن صورت نقش دالر به عنوان ارز ذخیره در سطح جهان و انحصار مالی امپراتوری از بین خواهد رفت. به جهان چندقطبی جدید و پایان اقتصاد جهانی که تاکنون می‌شناختیم، خوش آمدید.

<https://oilprice.com/Energy/Energy-General/The-End-Of-The-Global-Econom...>

به یک نظم پولی جدید جهانی که در آن «برتون وود ۳»، یعنی FIAT-Mony غربی (دالر و یوروئی که از هوا ساخته شده) در مقابل روبل و یا رمنی‌بی که دارای پشتوانه طلا و یا مواد خام است قرار گرفته است خوش آمدید. و چون «خبرگذاری‌های خصمی» مانند اسپوتنیک در به اصطلاح دموکراسی آزاد ما در این بین ممنوع می‌شود، ما در اینجا خبر ارز بین‌المللی جدید که در راه است را منتشر می‌کنیم:

«ایروان، ۱۴ مارچ، اسپوتنیک. کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی یورواسیا EAEU و چین پروژه‌ای برای یک سیستم ارزی و مالی بین‌المللی مستقل تکامل خواهند داد. در این مورد شرکت‌کنندگان گفتمان اقتصادی، بر سر یک

مرحله نوبت از همکاری ارزی، مالی و اقتصادی بین EAEU و جمهوری خلق چین به توافق رسیدند. نقل و انتقال جهانی Challenges and Solutions: که روز ۱۱ مارچ در یک کنفرانس ویدئویی صورت گرفت. این سیستم قرار است بر پایه یک ارز بین‌المللی جدید بنا گردد که به عنوان نمایه ارز ملی کشورهای مربوطه و قیمت مواد خام محاسبه خواهد گردید. اولین طرح قرار است تا آخر ماه مارچ ارایه گردد.»

این یک طنز نیست بلکه پایان سیستم پولی یک قطبی می‌باشد که از طرف وال استریت و سیتی او لندن کنترل می‌گردد. چین و روسیه و یوروآسیا شرکت مالی ویژه خود را تأسیس می‌کنند و از آنجا که با بانک خلق چین PBoC، بزرگترین بدهکار امریکائی نیز در آن حضور دارد، امپراتوری شدیداً بدهکار قادر به انجام هیچ کاری نیست. آنها ظاهراً فکر این را نکرده‌اند که با جنگ اوکراین که پرده آهنگین جدیدی به وجود می‌آورد، در واقع به پدید آمدن یک ارز مرجع بین‌المللی آلترناتیو کمک می‌کنند، ارزی که برای بازارهای وسیع فراسوی «ناتوستان» NATO stan بسیار جذاب خواهد بود.

ولی آنها باید به این مسأله می‌اندیشیدند که اگر روسیه واقعاً جدی برخورد کند و شیر انتقال گاز را ببندد، اروپا بسیار سرد و تاریک خواهد شد، زیرا برای کوتاه مدت و میان مدت اروپا نمی‌تواند ۵۰ درصد نیاز خود را تأمین کند. همین‌طور ایالات متحده نیز قادر به تأمین نفت خود نیست زیرا قصد دارد دومین واردکننده بزرگ نفت خود یعنی روسیه را بایکوت نماید و به همین دلیل جو بایدن اخیراً مجبور شد دست به دامن ونزویلا شود، ونزولائی که در آن کودتا سازماندهی کرده و با تحریم‌های شدیدی روبه‌رو ساخته بود که البته موفق نشد.

او تنها کسی نخواهد بود که از این عملگرایی تحریمی هیستریک لطمه خواهد خورد، زیرا هم اکنون از فرانسه می‌شنویم که شرکت خودرو سازی «رنو» و شرکت‌های وابسته به آن به تولید خود در روسیه ادامه خواهد داد و به قول فلم‌ساز منتقد «آندری نکراسف» برای «روس‌های معمولی» بیشتر مورد شغف تا نگرانی است که بی‌اموی و پرورش تولید خود را متوقف سازد و گردن کلفت‌ها دیگر قادر به خرید آن نباشند.

از این منظر جای شکی نیست که روسیه خروج «مک دونالد» و «استارباک» و یا «ایکه‌آ» و غیره را نیز همانطور بی‌اثر خواهد کرد که تبعید مسخره «نان روسی» از فروشگاه‌های زنجیره‌ای «لیدل» و «شرکاء» ولی به زودی وقتی قیمت بنزین، گاز و گازوئیل به سرعت هفته‌های اخیر باز هم افزایش یابد و یا قیمت مواد غذایی به دلیل فقدان کود و یا گندم روسیه در سطح جهان افزایش پیدا کند و تورم سرعت خود را از یورتمه به تاخت مبدل سازد در المان غوغا برپا خواهد شد و «بازگشت جلیقه‌های زرد» برای حکام اروپائی به یک فلم کریه و ترسناک مبدل خواهد گردید.

مقاومت از پیش‌بینی یک روسیه منزوی و مفلوک از نوع کوریای شمالی که دیگر هرگز قادر نخواهد بود خود را از جهنم ناشی از تحریم‌ها آزاد سازد و در نهایت از واشنگتن با التماس خواستار تغییر رژیم و بازگشت به دیسنی‌کانال و کانال‌های پورنوگرافیک خواهد شد، چنین اتفاقی رخ نخواهد داد، زیرا روسیه نه در جهان بلکه تنها از طرف «ناتوستان» منزویست و بیش از سه چهارم جامعه بشری کماکان با این کشور ارتباط دارد و با آن معامله می‌کند.

بیانیه همکاری چین و روسیه که رئیس‌جمهور پوتین و شی روز ۴ بروری ۲۰۲۲ به امضاء رساندند نه تنها یک پیمان نظامی بین دو قدرت اتمی بود بلکه سند یک همکاری بی‌سابقه بین دو کشور که از نظر مواد خام غنی‌ترین کشور و از نظر جمعیت بزرگترین کشورها در جهان است بود.

ولی این پیمان که از نظر سیاست جهانی بسیار با اهمیت است در رسانه‌های غربی انعکاسی بیش از یک خبر کوتاه پیدا نکرد و این امر بار دیگر نمونه‌ای برای جهل و نادانی خود برتر بینی و تکبر امپراتوری است.

اگر فردا چین وارد جنگ اقتصادی شود و تحریم‌هایی علیه ایالات متحده اتخاذ کند، شرکت اپل و شرکاء دیگر قادر به تولید نیست، در المارت ۸۰ درصد قفسه‌ها خالی خواهد ماند و در سیلیکون والی چیپ‌های کمپیوتری تمام خواهد شد زیرا برای پالادیوم و گاز نئون از روسیه برای تولید نیمه‌عایق‌ها، لیزر و غیره جایگزینی موجود نیست همان‌طور که در اروپا جایگزینی برای فولاد روسی و مواد معدنی ضروری وجود ندارد و در نتیجه هزینه تولید خود رو به شدت افزایش خواهد یافت که به دلیل قیمت‌های نجومی بنزین به دنبال فقدان نفت و گاز روسی در هر حال کمتر کسی قادر به خریداری آن خواهد بود.

با در نظر گرفتن این چشم‌انداز ناگوار که مناسبات کوریای شمالی احتمالاً بیشتر دامن مستعمره‌های اروپائی امپراتوری را خواهد گرفت تا روسیه و چین، به جنگ ناتوستان علیه غول مواد خام و غول تولید در کره زمین خوش آمدید و این که جنگ تمام عیار اقتصادی که ناتوستان اعلان کرده مانند جنگ نظامی در اوکراین به پیروزی نخواهد رسید. از این رو معتقدم که ما شاهد پایان جهان یک قطبی، و آغاز پایان «قرن امریکائی» و یک امپراتوری هستیم که مانند همه امپراتوری‌های دیگر در گذشته قربانی خود بزرگ بینی و انبساط بی‌اندازه خود شد و اکنون مجبور است دست‌نشانندگان خود را به جنگی دور که از سال‌ها پیش با تحریک روسیه آغاز شده اعزام کند تا رؤیای بیمارگون خود از «سلطه کامل در همه سطوح» را بر سراسر گیتی تحمیل نماید که کنترل بزرگترین منابع مواد خام و همین‌طور بزرگترین تولید کننده سیاره یعنی روسیه و چین را در بر می‌گیرد.

دخالت روسیه در اوکراین که پوتین حمایت شی را قبلاً جلب کرده بود اکنون به طور قاطع نشان داد که این کشورها حاضر نیستند بیش از این به سرکردگی امپراتوری گردن نهند و این که ناتو آن طور که غرب ادعا می‌کند، یک «بیمان دفاعی» نیست، بلکه یک ماشین قتاله نابکار است و جنگ‌های تجاوزکارانه دهه‌های اخیر مبین آن می‌باشد، ماشینی که نه «دمکراسی» و «آزادی»، بلکه مرگ و ویرانی به جای می‌گذارد و اجساد میلیون‌ها نفر در افغانستان، عراق، لیبیا و همین‌طور سوریه گواه کارنامه تراژیک آن است.

وقتی یک غول تا جنگ و دندان مسلح که اربابش در پنتاگون از سال ۱۹۴۵ تا کنون عامل قتل ۲۰ میلیون نفر بوده قصد دارد پشت در خانه شما سنگر گیری کند، آیا تأملات امنیتی شما موجه است؟

<https://www.globalresearch.ca/u-s-regime-has-killed-20-30-million-peopl...>

آیا با این ترازنامه و این ارتش عظیم، تردید در تضمین لفظی مبنی بر این که در پس این اقدامات هیچ نیت بدی وجود ندارد، بجا نیست؟

اگر شما مانند هر انسان عاقل و بالغی به این دو سؤال پاسخ مثبت دادید، باید مواظب باشید چون تا نیمه «پوتین پرست» و «روس‌گرا» محسوب می‌شوید که هیچ خشم و عصبانیتی در مورد جنگ و همین‌طور همدردی با مردم یمن مردم اوکراین از خود نشان نمی‌دهد. در عوض تا اندازه‌ای از انگیزه و استدلال روسیه برای دخالت در اوکراین و نحوه اجرای آن اطلاع پیدا کردید.

هر چند در «عبار جنگ» هرگز نمی‌توان وضعیت جاری را درست تشخیص داد (به قول "کلوزویتز" می‌توان تنها آن را «احساس» کرد) و در آتش خروشان تبلیغاتی به جز شعار بچگانه «پوتین بسیار بد و ما بسیار خوب» اطلاعات دیگری به دست ما نمی‌رسد، ولی کارشناسان نظامی که با صنعت جنگ آشنا هستند، وجود دارند که برای ارزیابی منطقی و عینی وضعیت تلاش می‌کنند و بر این عقیده‌اند که این جنگ برای اوکراین از دست رفته است. مثلاً "آندری مارتیانف" که دخالت روسیه را «عملیات ترکیبی ارتش و پولیس» برآورد می‌کند و یا "اسکات ریتر" افسر سابق

نیروی بحری ایالات متحده آمریکا و بازرس نظامی ملل متحد که متعجب است که ارتش روسیه چقدر کارآمد با تعداد نسبتاً کم نیرو و تعداد نسبتاً کمی تلفات غیرنظامی و تخریب عمل می‌کند.
"ژاک بود" سرهنگ ارتش سوئیس که مانند اسکات ریتر در خدمت ملل متحد در اوکراین و روسیه کار می‌کرد نیز بر همین عقیده است. صحبت جامع او به دلیل اطلاعات پیش‌زمینه‌ای او به ویژه برای کسانی که به کمک روزنامه‌نگاری جدید پس از کورونا هراسی اکنون بدون وقفه دچار روس‌هراسی شده‌اند، بسیار التیام بخش است.

<https://zeitgeschehen-im-fokus.ch/de/newspaper-ausgabe/nr-4-vom-15-maer...>

سه شنبه، ۰۹ فروردین [حمل] ۱۴۰۱
برگرفته از: رویکون
منتشر شده در تاریخ: ۱۹ مارچ ۲۰۲۲